

## افترا در قانون انگلستان

را بدهد بدون اینکه عین کلمات آنرا تقریر کند نمیتواند  
با این دفاع متوسل شود که کلمات از من نیست و اگر  
ثابت شود که دستور را او داده است مسئول خواهد بود

انتشار موضوع افترا آمیز وقتی حاصل میشود که  
شونده یا خواننده هم معنی افترا آمیز آنرا درک کرده و  
هم به هويت شخص منظور بی برده باشد والا اگر درک نکند  
که قصد افترا در بین هست ولی نفهمد شخص مقصود کیست  
شرائط انتشار محقق نشده است مثلاً شخصی مطلب موهنی را روی  
یک کارت پستال نوشته آنرا برای یکی از دوستان خود  
فرستاد با اینکه معلوم شد که کارت پستال را اشخاص مختلف  
خوانده اند ولی چون اسم شخص منظور در کارت پستال  
ذکر نشده بود دادگاه حکم داد که شرائط انتشار حاصل  
نشده است

در بعضی موارد اصل اینست که انتشار حاصل شده  
است و اثبات عدم انتشار بعهده منکر خواهد بود مثلاً هرگاه  
مطلب روی کارت پستال نوشته شده باشد یا بوسیله تلگراف  
مخابره شده باشد یا طبع شده باشد در این موارد اصل این  
است که بستگی یا تلگرافچی یا حروفچین از موضوع آگاه  
شده است و اگر طرف مدعی باشد که آگاهی حاصل نشده  
است باید آنرا ثابت کند

انتشار دهنده در صورتی مسئول است که مطلب یا در  
نتیجه قصد و اراده یا در نتیجه غفلت او حاصل شده باشد  
مثلاً اگر قرائت خانه ای کتابی را که محتوی مطالب افترا

زیرا با بودن چنین قاعده ای هیچ نوع تأمین برای نویسندگان  
حکایات و روزنامه ها و حتی برای مذاکرات عادی  
مردم نیست

اگر موضوعی که انتشار داده شده است مربوط به  
شخص معینی بوده و در مورد او صحت داشته باشد (مانند  
اینکه فلان شخص متهم بارتکاب قتل و مورد تعقیب است)  
شخص دیگری که تصادفاً دارای همان اسم باشد نمیتواند  
بعنوان اینکه مردم خیال کرده اند موضوع مربوط باوست  
اقامة دعوا نماید

### انتشار

انتشار موضوع افترا آمیز عبارتست از آگاه  
کردن يك یا چند نفر غیر از خود شخصی که هدف افتراست  
اگر موضوع بطور محرمانه به يك نفر هم اظهار شود کافیت  
ولی اظهار بخود شخص مورد افترا از نظر حقوقی کافی  
نیست اما برای تعقیب جزائی کفایت میکند - اطلاعاتی  
که زن و شوهر به یکدیگر میدهند در حکم انتشار نیست  
برای حصول انتشار کافیت کسی نوشته افترا آمیزی  
را بنظر دیگری برساند یا محتویات آنرا برای او بخواند یا  
موضوع را تقریر کند که قشارالیه آنرا بنویسد

کسی که نطق میکند و میداند که مخبرین روزنامه ها  
حاضرند و نطق او را یاد داشت میکنند هم از نظر حقوقی  
مسئول است (بمناسبت جنبه شفاهی نطق) و هم از نظر  
جزائی (بمناسبت جنبه کتبی که از طبع و نشر نطق او  
حاصل میشود)

هرگاه کسی بدیگری دستور انتشار مطلب افترا آمیزی

آمیزی است بدون آگاهی از محتویات آن بجزریان بیاندازد. بعلمت غفلت مسئول خواهد بود - ولی اگر انتشار دهنده نه قصد انتشار داشته و نه غفلت کرده باشد مسئولیتی نخواهد داشت مانند روزنامه فروش که بدون اطلاع از محتویات روزنامه آنرا توزیع نماید - اگر بعد معلوم شود که محتویات آن افشا آمیز بوده است روزنامه فروش که فقط در انتشار موضوع آلت و واسطه بی اراده ای بوده است - مسئول نخواهد بود

**اثبات حقیقت موضوع - در قسمت حقوق افشا اگر مدعی علیه بتواند ثابت کند که موضوع شکایت حقیقت دارد مسئول نخواهد بود حتی اگر آن موضوع را از روی غرض انتشار داده باشد ولی در تعقیب جزائی قاعده دیگری معمول است بدین معنی که اگر موضوع افشا حقیقت داشته و انتشار آن بِنفع عامه بوده باشد قابل تعقیب نیست اما اگر حقیقت نداشته باشد و حال آنکه از انتشار آن نفع عامی متصور نباشد قابل تعقیب خواهد بود - اگر موضوع حقیقت نداشته باشد هر چند انتشار دهنده تصور نموده باشد که حقیقت دارد و در این اشتباه هم مقصر نباشد معذک مسئول است اگر مدعی علیه ثابت کند که موضوع بطور کلی حقیقت دارد و از جزئیات خلاف حقیقتی روی داده باشد کفایت بشرط اینکه اختلاف جزئیات مهم نباشد مثلاً اگر کسی بگوید فلان شخص یکماه زندانی شده است و حال آنکه واقعاً سه هفته زندانی شده باشد این اختلاف مهم نیست و اثبات حقیقت موضوع برای برائت مدعی علیه کفایت ولی اگر کسی بگوید فلان روزنامه اخبار دروغ چاپ میکند و در مقام دفاع ثابت نماید که در يك مورد خبر بی اساسی راطبع کرده است کافی نخواهد بود زیرا اظهار او چنین میرساند که روزنامه مزبور عاده دروغ مینویسد**

هر گاه کسی مطالبی را بعنوان نقل قول انتشار دهد و بخواهد متوسل بدفاع و اثبات حقیقت شود باید حقیقت اصل موضوع را اثبات کنند نه شیوع آنرا یا اگر گفته باشد فلان شخص معنون بمرقت است کافی نیست فقط شیوع

سوء ظن مزبور را ثابت کند بلکه باید حقیقت اسناد سرقت را ثابت نماید

**مصونیت یا امتیاز**

در بعض موارد قانون با شخص آزادی خاصی در اظهار مطالب خود میدهد بطوریکه اگر مطالب مزبور افشا آمیز و دروغ باشد باز کسی حق اقامه دعوی ندارد در یاره از این موارد حتی اگر اظهار کننده علماً عامداً و از روی سوء نیت مطالب افشا آمیزی را اظهار نماید قابل تعقیب نیست ولی در بعض موارد دیگر اگر شاکی بتواند ثابت کند که اظهار کننده مطلب کذبی را از روی سوء نیت انتشار داده است مقتری مسئول خواهد بود

اگر مدعی علیه معتقد به حقیقت موضوع باشد و بخواهد متوسل بدفاع اثبات حقیقت شود احتیاج ندارد که در تحت عنوان امتیاز ادعای مصونیت نماید زیرا حقیقت را در جمیع موارد میتوان گفت و قاعده فقط وقتی توسل به موارد امتیاز لازم است که اثبات حقیقت موضوع دشوار باشد در موارد ممتازه قاعده کلی اینستکه حق امتیازی گوینده یا نویسنده فقط متعلق بخود اوست و شامل کسانی که موضوع را تکرار کنند نمیشود مگر اینکه موارد تکرار نیز خود از موارد امتیازی باشد

امتیاز بر دو نوع است مطلق و مشروط امتیاز مطلق در مواردیستکه انتشار دهنده دارای آزادی کامل و بدون شرط باشد یعنی حتی اگر از دروغ بودن موضوع آگه بوده و از روی سوء نیت آنرا گفته باشد معذک قابل تعقیب نخواهد بود در این موارد حق آزادی بیان برحق حفظ شهرت افراد ترجیح دارد

امتیاز مشروط در مواردی استکه آزادی انتشار دهنده محدود و مشروط باشد یعنی اگر موضوع کذبی را بدون سوء نیت منتشر کرده باشد قابل تعقیب نیست ولی اگر چنین موضوعی را با سوء نیت انتشار داده باشد قابل تعقیب خواهد بود پس فرق بین امتیاز مطلق و مشروط وجود سوء نیت است